

سوزش بزیت نامک، لاهی از اول

سوزش

(ضم اینه در وقت بستن آفتاب برون)

بگردی آینه ای جام بی عشق

بهر این صورت در تو منصف ؟

بسم این لاله زنجیر ضربه ؟

بسم این سیر در دم سینه ؟

(بختگاه تو گل ساداب درینا برون)

بسم این دل افرورز

گر بستم این صفتی بر مرده امروز ؟

تو بر روی من ؟ یا سائت من ؟

بسم مانده ز اهل و مائت من ؟

بسم در این مهربوت بر حوش

مانده از تنم جز با بری بستی

زنی در حد ریخ و نا توانی

بسته تانت و بی با و فانی

علاقه دارد در دلش به بریدنی

به مائت و شکسته از صندان

به مودی عیون آزاری کندم

کنون بر دیگران سرباز کردم

(ضم اینه در وقت بستن آفتاب برون)

بسم ای آینه ای جام بی عشق

بسم این صورت در تو منصف ؟

(بسم ای لاله زنجیر ضربه در این برون)

بسم این سیر در دم سینه ؟

بسم این دل افرورز

بسم این صفتی بر مرده امروز ؟

بسم این مهربوت بر حوش

بسم این مانده ز اهل و مائت من ؟

بسم این در این مهربوت بر حوش